

اشک‌ها و لیخندها

جشنی برای آنها که نفس اهدا می‌کنند

■ جشن نفس، جشن اشک‌ها و لیخندهاست. اشک‌هایی که اولیای سوگوار مرگ مغزی در فقدان عزیز از دست‌شان‌نثار می‌کنند و لیخندهایی که به برکت بزرگواری اولیای دم بر لبان گیرندگان اعضانفش می‌بندد. رضایت اولیای دم در ایران شرط اصلی پیوند محسوب می‌شود. اولیای دمی که به‌رغم بحران عاطفی که در آن به سر می‌برند با اقدامی بزرگوارانه و انسان‌دوستانه اجازه می‌دهند از اعضای عزیزشان که مرگ مغزی شده، برای نجات زندگی عزیز دیگری استفاده شود. عزیزی که اعضای بدنش می‌تواند یک تا شش نفر را از مرگ حتمی و به گفته معاونت فرهنگی واحد پیوند بیمارستان مسیح دانشوری ۴۴ نفر را از معلولیت نجات دهد. جشن اشک‌ها و لیخندها که از آن به جشن نفس؛ جشن زندگی یاد می‌شود، اسسال مقلران با میلاد حضرت فاطمه(س) در روزهای پنجم و ششم خرداد ماه به میزبانی بیمارستان مسیح دانشوری در باشگاه انقلاب برگزار می‌شود. جشنی که می‌توان در آن اوج بزرگواری و نوع‌دوستی ایرانیان را به تماشا نشست و با اشک‌های‌شان گریست و با لیخنشدشان خندید. این روزها برو و بیای سفیران زندگی در واحد پیوند بیمارستان مسیح زیاد است و هر کدام از سفیران با توجه به وظیفه محوله کار خود را پیگیری می‌کنند. گوش می‌سپارم به صحبت‌های زهرا مومنی‌پور یکی از سفیران واحد پیوند بیمارستان مسیح دانشوری که پنج سال تجربه سفیری را در کارنامه دارد و از سفیران و جشن نفس می‌گوید: سفیران، کسانی هستند که داوطلبانه برای ترویج فرهنگ اهدای عضو در جامعه تلاش می‌کنند و اگر واحد در جایی غرفه داشته باشد، در آنجا حاضر می‌شوند و کاملاً با مردم در ارتباط هستند. اطلاعات‌شان را به روز نگه می‌دارند تا بتوانند اطلاعات جامع، کامل و بدون نقصی را در این رابطه در اختیار مردم قراردهند تا مردم با شناخت خوب برای اهدا ثبت‌نام کنند. از جشن رمضان گذشته ما موفق شدیم ثبت‌نام آنلاین را راه‌اندازی کنیم.

با توجه به شناختی که معاونت فرهنگی واحد از سفیران و توانایی‌های‌شان دارد، سفیران را گروه‌بندی کرده و برای جشن سفیران زندگی به منظور پوشش کارهای جشن نفس در ستادهایی قرار گرفتند. سفیران زندگی بالای ۱۰۰ نفر هستند اما افرادی که برای کارهای اجرایی جشن گروه‌بندی شدند، ۳۰ نفر هستند.

مومنی‌پور می‌گوید برای جشن نفس ستاد خبری، ستاد هماهنگی و پشتیبانی ستاد روابط عمومی و ستاد طراحی تعریف شدند که هرکدام حوزه‌وظایف مشخصی دارندو می‌گویند: در جشن نفس سه گروه دعوت‌شدگان ویژه هستند. مردم عادی هم هستند و ورود برای عموم آزاد است. در این جشن می‌خواهیم تلاقی این عمل بزرگ را به مردم نشان دهیم. طبق قانون خانواده‌های دهنده و گیرنده عضو نمی‌توانند با هم آشنا شوند، مگر در موارد خاص و با تمهیدات خاصی که واحد در نظر گرفته است. یکی، دو تا از خانواده‌هایی که در آنجا یکدیگر را می‌شناسند، کسانی‌اند که بروسه طولانی از پیوندشان گذشته. اما نزدیک عمل پیوند نمی‌توان این کار را انجام داد چون ممکن است افراد از نظر روحی تحت‌تأثیر قرار بگیرند. این سفیر نوع‌دوستی می‌گویند: در کنار جشن سعی شده بازارچه داشته باشیم. این بازار چمه‌ا بخشی از سود خود را برای داروهای بیماران پیوند اهدا می‌کنند. جشن از ساعت شش بعد از ظهر تا هشت شب مخصوص گروه سنی کودکان است و از هشت به بعد جشن رسمی برای افراد بزرگسال شروع می‌شود.

او در پایان می‌گوید: طی این پنج سال کار خیلی پیشرفت کرده. ما از تمام شهرهای کشور سفیر داریم که در شهر خود مسئول تبلیغ درباره اهدای عضو هستند برای جشن نفس تعداد کثیری از هنرمندان، ورزشکاران و افراد مطرح کشور به همراه مسوولان کشور حاضر می‌شوند. گیرندگان اعضا، اعضای ایست انتظار و دهندگان هم در این ششن حضور دارند. از این جشن به نام جشن اشک‌ها و لیخندها هم یاد می‌شود. دکتر قبادی می‌در این مورد می‌گوید: در خصوص فرهنگ‌سازی حرکت برجسته‌اندشیم؛ کارت‌اهدای عضو تا چند سال پیش ماهی ۳۰نفر عضو سبایت می‌شدند اما در حال حاضر از ۳۰۰ تا ۵۰۰ نفر روزانه عضو می‌گیریم و امروز بالغ بر ۶۰۰ هزار نفر عضو سبایت اهدای عضو هستند.

طرح سفیران زندگی؛ سفیران کسانی هستند که به صورت داوطلبانه و بدون چشمداشت با تخصص خودشان برای ترویج فرهنگ اهدا زحمت می‌کنند و برگزاری جشن نفس یکی از تلاش‌های اجرایی این عزیزان است.

- جشن نفس: هر ساله مقلران با ولادت حضرت فاطمه(س) و روز مادر مراسم بزرگداشت پیوند اعضا را داریم و به مناسبت تقدیر بر تصمیم‌گیران ارائه خانواده‌های مرگ مغزی که رضایت به اهدای عضو دادند، این جشن برگزار می‌شود.از دکتر قبادی که هفت سال کوردینیتور پیوند بوده، می‌پرسم چرا روز ولادت حضرت فاطمه(س) برای جشن نفس انتخاب شده؟ می‌گوید: رضایت اهدای اعضای مرگ مغزی برای همه افراد خانواده سخت است اما از همه سخت‌تر برای مادر است به همین دلیل مقلران با روز مادر و ولادت حضرت زهرا(س) جشن نفس برگزار می‌شود. وی می‌گوید: سه رکن در شناساندن فرهنگ اهدا به مردم نقش مکمل و اصلی را به عهده دارند:

اول حمایت واحد پیوند اعضا و مسوولان واحد پیوند برای فرهنگ‌سازی اهدا چه فنی و چه تخصصی.

دوم ارتباط رسانه اخبار مربوط به این حوزه را منتشر کنند

سوم مسوولان وزارتخانه‌ای دولت با هم همکاری داشته باشند و ضمن حمایت‌های مالی و معنوی، وزارت بهداشت دغدغه فرهنگ‌سازی پیوند داشته باشند.

واحد ICU بیمارستان مسیح هفته پیش پذیرای مادری ۴۲ ساله بود که دچار مرگ مغزی شده و باوجود تلاش پزشکان نتوانست به زندگی باز گردد. اولیای دم خانم اعظم دادخواه رضایت دادند تا تمام اعضای قابل اهدا و کلیه نسوج و بافت‌های او اهدا شود.

با خدا معامله کردیم؛ بی‌حرمی‌ها بیشیمان مان نکرده

همسر، تنها فرزند، والدین و اقوام خانم اعظم دادخواه در سوگ او به ماتم نشستند. سراسر خانه سیاهپوش شده و پسر ۱۰ ساله او بی‌خبر از مصیبت وارده در دنیای کودکه خود مادر را می‌جوید. مجتبی شهریاری همسر نجیب و بی‌آل زار خانم دادخواه با غمی بزرگ در چهره‌اش روبه‌رویم می‌نشیند. اقوام دورتر خانواده مشغول تدارک شام برای میهمانان هستند. ساعت از ۹ شب گذشته. امروز مراسم سوم خانم دادخواه برگزار شده و جای خالی او را هیچ‌کس نتوانسته بر کند. مجتبی شهریاری از اینکه در مسجد اعلام کنند اعضای همسرش را اهدا کرده، ابا دارد. خود با صدایی حزین می‌گوید: نخوامت تبلیغات کنم یا ریا شوم. من با آن بالایی معامله کردم. ما این معامله را با خدا کردیم. ما در زمان حیات همسر ما هم صحبت کرده بودیم و با هم قرار گذاشته بودیم. من به قولم به او عمل کردم با وجود مخالفت پدر و خواهرش این کار را انجام دادم. حاضر نبودم صاحبه کنم یا عکس بنذارم یا این جور تشکیلات. اما مسایلی پیش آمد و حرف‌هایی که به ما زدند با عمل‌شان تقویت داشت. صحبت آقای شهریاری به اینجا که می‌رسد. رضا غضنفری باجانی وی با قیافه حق به جانب رشته کلام را به دست می‌گیرد و گلابمسد می‌گوید: بعد از اینکه اولیای دم و اعضای خانواده برای اهدای عضو امضا دادند در واحد پیوند گفتند بره‌ای به شما می‌دهیم تا در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا با تخفیف قابل توجهی در خدمت شما باشیم. به نظر من وقتی کسی اهدای عضو می‌کند دیگر آوردن کلمه تخفیف زیاد خوشایند نیست.

اینها بمائد. بعد از اینکه هماهنگی‌ها جهت تحویل جسد انجام شد؛ پرسیدیم شما هزینه آمبولاس را پرداخت می‌کنید یا ما خودمان پرداخت کنیم؟ گفتند شما پرداخت کنید برای ما فاکتور بیاورید. با شنیدن این حرف مغزم سوت کشید، اصلا پشیمان شدم که چرا در حضور همسر که خواهر خلم اعظم دادخواه بود، این سوال را پرسیدم.

قطعات بهشت‌زهرا را مثل آثاریمان معامله می‌کنند

او ادامه می‌دهد: روز قبل از تدفین مراجعهای به پشت زهرا داشتم و با مدیر آنجا صحبت کردم. گفتند قیمت قبر در قطعه ۲۵۶، چهار میلیون و ۴۰۰، قطعه ۱۰ و ۲۰ که جزو قطعه‌های قدیم بهشت زهراست اگر خودشان کسی را دارند چهار میلیون و ۲۰۰ تا بیش از پنج میلیون و چنانچه قطعات جدید بهشت زهرا خرید کنید ۹۰۰ هزار تومان برای سه طبقه آن باید پرداخت کنید. آن هم تا ۲۰ روز آینده شما می‌توانید ۲۰۰ هزار تومان بدهید اما اگر تا ۲۰ روز دیگر مابقی پول را پرداخت نکنید ما دو واحد دیگر را به بقیه می‌فروشیم. انگار آپارتمان فروشی است و به این ترتیب ما عملاً قطعه نام‌آوران را از دست داریم. بر پرداخت کنیم. حرف است که بر اساس یک هدیه برای بهترین جای بهشت زهرا همچنین جنگی داشته باشیم. اگر می‌خواهیم چهار میلیون و ۴۰۰ پرداخت کنیم، بدون منت می‌رویم بهترین جای بهشت زهرا خرید می‌کنیم. نتیجه بحث میان شورای شهر و شهرداری که گفتند قیمت را جلدیه‌جا کنید؛ بی‌احترامی به خانواده مرگ مغزی و در واقع نوعی کلاه گذاشتن سر خانواده مرگ مغزی است. ما که عمل‌مان را انجام دادیم و با خدا معامله کردیم.

مگر ما گفتیم روی جنازه ما گل بزنند!

آقای غضنفری که دل پُری از برخورد مسوولان در واحد پیوند با بهشت زهرا دارد، می‌گوید: جنازه را که فرستادند روی آن گل گذاشته بودند و یک فاکتور دادند دست ما نوشته بود هزینه آمبولاس و تاج گل ۸۲ هزار تومان. مگر ما گل سفارش داده بودیم! در واحد پیوند به ما گفتند شما فاکتور را بیاورید، بیمارستان مسیح دانشوری مبلغ فاکتور را دریافت کنید. ما ۲۰ هزار تومان پول بزمین بدیم. برویم فاکتور ۸۰ هزار تومان‌ی را

دریافت کنیم؟ آن هم بابت گلی که درخواست نکردیم. یعنی ما اینقدر احمق هستیم. می‌پرسیم آیا ما را کونن فرض کردند. غضنفری که به نوعی سخنگوی خانواده دادخواه و شهریاری است از بیمارستان تهرانپارس (بیمارستان مبد) هم گلابیهایی دارد. می‌گوید: در بیمارستان تهرانپارس بعد از اعلام مرگ مغزی بیمارمان، به ما گفتند ساعت دو بعد از ظهر بیمارتان جهت انتقال به بیمارستان مسیح ترخیص می‌شود. بعد ساعت‌ها ما را بالاکنلیف نگه داشتند، در نهایت ساعت هفت غروب گفتند دو میلیون بریزید به حساب بیمارستان تا بیمارتان ترخیص شود. آن ساعت که بانک‌ها تعطیل است، مگر عابر بانک یکجا دو میلیون پول تحویل می‌دهد؟ این کارها توهمین و بی‌احترامی به شهروندان و تمام کسانی است که با وجود مشکل‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در این جامعه اقدام به عمل خیرخواهانه می‌کنند.

شهریاری: خانه من خراب شد اما ۱۱ خانه آباد

غضنفری که می‌خواهد نفسی تازه کند، میدان را به نفع آقای شهریاری خالی می‌کند. شهریاری آرام و با طمأنینه گلایه می‌کند. ادعایی ندارد؛ زنجور است از برخوردای بعضا توهمین‌آمیز و بی‌حرمی‌ها یا ناهماهنگی‌ها که دیگر در جامعه ما عادی شده است.

می‌گوید: خانه من خراب شد اما در عوض ۱۱ خانواده خوشحال هستند و می‌خندند. ۱۰ خانوار اینجا عزادار شدند، در عوض ۱۱ خانوار خوشحالند. این برای من خیلی ارزش دارد چرا فرهنگ اهدای اعضا جمعی نشود. اما وقتی آدم این بی‌حرمی‌ها را می‌بیند برای چه ادامه دهد. من چه اعضای عزیزم را اهدا کنم چه نکنم او زیر خاک می‌رود. اگر حرف و عمل مسوولان یکی باشد، همه این کار خادپسندانه را انجام می‌دهند.

آرامش: مر دیون اهدای عضو

همسر همست

این همسر دلسوز از آرامشی که پس از اهدای اعضای همسرش به دست آورده، می‌گوید: پدر من و دوستان نزدیکم فوت کردند اما درخصوص فوت همسر کم عزیزترین فرد زندگی‌ام بود، یک آرامش خاصی دارم. از درون آرامش دارم. نفس کار اهدا که به درخواست همسرم عمل کردم، به من آرامش می‌دهد. ما که نمی‌دانستیم قطعه نام‌آوران هست، قبل از دیدن این حرکت‌ها من امضای خودم را داده بودم و با خدا معامله کرده بودم. حداقل اگر نمی‌خوانند کاری انجام دهند، دروغ نگویند به ما فاکتور می‌دهند و این حرف‌ها مگر ما از شما پول خواستیم که گفتند برای ما فاکتور بیاورید. اگر این کار را کردیم به خاطر تاج گل یا قطعه نام‌آوران انجام ندادیم که به ما می‌گویند فاکتورتان بیاورید، اینجا دریافت کنید.

می‌دانستم اگر لوله را بکشند کار تمام است

از مجتبی شهریاری در مورد میزان آگاهی‌اش از مرگ مغزی می‌پرسم. می‌گوید: در مورد اهدای عضو اطلاعات داشتم اما کلمن نه می‌دانستم در مرگ مغزی اگر لوله را درتیراورد دیگر کار تمام است. برای همین برای اهدا خیلی مقاومت نکردم. نماینده بیمارستان مسیح قبل از اینکه حرفی بزند، گفتم مشکلی ندارم. علت را از ملیحه دادخواه خواهر اعظم دادخواه درخصوص مخالفتش با اهدای عضو جویا می‌شوم. می‌گوید: با پدیده اهدای عضو موافق نیستم. از لحاظ شرعی و دنیای آخروی برام مهم است. در عالم برزخ که هستنیم مسایل زیادی هست و دستمان از این دنیا کوتاه است. هیچ چیز از برزخ نمی‌دانیم. وقتی اعضای بدن به بدن‌های مختلف می‌رود مشخص نیست چطور با آن رفتار می‌شود. مثلاً آیا با قرنیهای که اهدا شده، گیرنده چیزهای پاک می‌بیند یا خیر. حتی پزشکان به این نتیجه رسیدند که دو عضو قلب و کبد DNA خود را به گیرنده منتقل می‌کنند. در اطرافیان ما پسری بود که قبل از پیوند قلب پسر معتقد و مقیدی بود اما به گفته مادرش بعد از عمل پیوند ۱۸۰ درجه تغییر کرده بود علت مخالفت من به خاطر این مسایل است.

سلامت



عکس: آیدین رهبر / شرق

به بهانه جشن نفس، در ستایش اهدای اعضا

این بالاترین ایتار است

ستاره جاوید

دوست دارم کسی را که چشم همسرم را دریافت کرده ببینم

مالقات اولیای دم مرگ مغزی که رضایت به اهدای عضو دادند با گیرندگان غیرقانونی است. تا پیش از این چنین نبود اما به دلیل پیشگیری از بروز برخی مشکلات این ملاقات و آشنایی غیرقانونی است. مجتبی شهریاری از این قانون آگاه است اما می‌گوید خیلی دوست دارم کسی را که چشم همسرم را برای پیوند دریافت می‌کند، ببینم. پیش از خداحافظی از خانواده سوگوار از آقای شهریاری می‌پرسم بعد از حواشی‌ای که پیش آمد، پیشیمان نشدید؟ قاطعانه می‌گویند: خیر به هیچ‌وجه. هر کس اعتقاد خودش را دارد اما به خانواده‌هایی که مقاومت می‌کنند و پاسخ مثبت نمی‌دهند، پیشنهاد می‌کنم با خدا معامله کنند. هر چند اگر از لحاظ عاطفی حساب کنیم هیچ خانواده‌ای نمی‌تواند چنین ایتاری داشته باشد. لاقل آدم اگر قرار است ایتار کند در کشوری باشد که قدر این ایتار را بداند.

اقدام مسوولان بهشت‌زهرا(س) ارتباطی به واحد پیوند ندارد

گلایه‌های اولیای دم خانم اعظم دادخواه را با دکتر کتابون نجفی‌زاده رییس واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی بیمارستان مسیح دانشوری در میان می‌گذارم. دکتر نجفی‌زاده پاسخ متفاوتی می‌دهد. او می‌گوید: ما با مسوولان بهشت‌زهرا(س) صحبت کردیم. دو طبقه قبر در قطعه نام‌آوران دو میلیون تومان است و اگر درخواست اولیای دم یک طبقه باشد؛ یک طبقه رایگان است. رییس واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی با تأکید بر اینکه برخورد مسوولان بهشت (زهرا(س) ارتباطی به ما ندارد، می‌افزاید: اگر خانواده خانم دادخواه یک طبقه درخواست می‌کردند می‌توانستند رایگان تحویل بگیرند. به گفته دکتر نجفی‌زاده، فرایند برای مرگ‌مغزی‌ها تقریباً به مدت دو سال رایگان بود اما از حدود سه ماه پیش با تعویض رییسان به ویژه تغییر مهندس رضایی و رییس سازمان بهشت‌زهرا(س) این قانون برداشته شد.

یک طبقه در نام‌آوران رایگان است

دکتر نجفی‌زاده می‌گوید: با پیگیری‌های مجدد ما قرار شد اگر یک طبقه از دو طبقه را بگیرند، رایگان باشد. قدرت ما در حدی است که برای یک طبقه برای عزیزی که مرگ مغزی شده به صورت رایگان در نام‌آوران هماهنگ کنیم. ما سه سال دوندگی کردیم تا توانستیم همین کار را برای این عزیزان انجام دهیم. او می‌گوید درخصوص آمبولاس و گل هم ما نمی‌توانیم دنبال آمبولاس راه بیفتیم بلکه از اولیای دم می‌خواهیم هنگام تحویل جنازه عزیزشان هزینه آمبولاس را پرداخت کنند. بعد هزینه فاکتور سو را از ما دریافت کنند. گل را هم ما روی جنازه آنان نگذاشتیم. بلکه ما روزی که کوردینیتور واحد پیوند برای شرکت در مراسم ترحیم (سوم یا هفتم یا چهلم) که خودشان باید تاریخ دقیق مراسم را به ما اطلاع بدهند، گل را همراه یک لوح تقدیر که روی آن نوشته اهدای عضو صورت گرفته به اولیای دم تقدیم می‌کنیم.

مرگ مغزی واقعا یعنی چه؟

از دکتر امید قبادی، معاونت فرهنگی واحد پیوند اعضای دانشگاه شهید بهشتی درخصوص مرگ مغزی و چرایی آن می‌پرسم. می‌گوید: مغز از دو قسمت تشکیل شده است؛ بخش بالایی که بخش اصلی است و مسوول شعور، ادراک و حرکات بدن است. بخش پایینی که ساقه مغز است و مسوول تنفس، تنظیم ضربان قلب، حرکات چشم و... است. اگر بر اثر ضربه یا تصادف عروق فوقانی مغز خون‌ریزی کند و رگ‌ها آسیب ببیند، بسته به اینکه کدام بخش از مغز آسیب ببیند و خون‌رسانی به مغز مختل شود، سه حالت اتفاق می‌افتد. بافت مغز طوری است که به محض خون‌ریزی به بافت خمیری تبدیل و سریع منهدم می‌شود و قابل برگشت نیست. اگر

نگاه

از کوردینیتورها حمایت کنید

■ دکتر قبادی، معاونت فرهنگی واحد پیوند اعضای بیمارستان مسیح با نگاهی مقایسه‌ای به سیستم کوردینیتوری ایران و اسپانیا می‌گوید: در فعال‌سازی سیستم پیوند کوردینیتور اساسی‌ترین نقش را به عهده دارد. کوردینیتور اولین کسی است که پس از گزارش مورد مرگ مغزی به بیمارستان مسیح بر بالین بیمار در بیمارستان مبدا حاضر می‌شود و پس از بررسی آزمایش‌ها، نوار مغزی، مناسب بودن سنن برای اهدا و سایر المان‌ها مراتب را به واحد پیوند گزارش می‌کند. اگر کوردینیتور آموزش ندیده باشد و نتواند خانواده را توجیه کند، پیوندی راه نمی‌افتد. استراتر چرخه پیوند در همه جای دنیا با کوردینیتور است. اگر کوردینیتور موفق شود رضایت بگیرد، بیش از ۹۸ نفر در واحد پیوند فعالیت خود را آغاز می‌کنند، بنابراین نقش کوردینیتور بسیار اساسی است و لازم است اول تحت تربیت‌های بسیار حرفه‌ای قرار بگیرد. دوم از نظر مالی بسیاری خوب اقتاع شود. سوم از حمایت‌های دولتی مثل بیمه و... برخوردار باشد. چون بسیاری در معرض خطر است، زیرا در لحظه‌ای که به خانواده‌ها می‌گوید عزیزشان مرگ مغزی شده، تکان‌های قفسه سینه مصنوعی است و علاوه بر این به خانواده‌ها می‌گوید اجازه ندهند اعضای عزیزشان را در بیاوریم برای اهدا. در این لحظه حساس خیلی از خانواده‌ها ممکن است حرکت‌های حمله‌ای از خود نشان بدهند و نتوانند بپذیرند. بعضی وقت‌ها شده شیشه‌های ICU بیمارستان را می‌شکنند یا کتک‌کاری می‌کنند. به خصوص اگر کوردینیتور پیوند از لحاظ روان‌شناسی پیوند ضعیف باشد، مشکلات عدیده دیگری به وجود می‌آید.

متأسفانه یکی از بزرگ‌ترین معضل‌هایی که بارها صحت کردیم و امیدواریم حل شود، مساله کوردینیتورها است. اگر برای وضعیت مطلوب کوردینیتورها عدد ۱۰۰ را در نظر بگیریم ما در ایران به بیش از ۲۰ یا ۳۰ درصد دست نیافته‌ایم. در صورتی که در کشورهایی مثل اسپانیا به این قضیه خیلی رسیدگی می‌کنند و شرایط طوری است که کوردینیتور در اتاق مستقل، مجهز و شکی در هر بیمارستان مستقر است؛ حقوق ماهانه می‌گیرد و سیستم آنان in hospital coordinator با کوردینیتور داخل بیمارستانی است و در صورت مرگ مغزی آنقدر در خواست رضایت جهت اهدای عضو توسط کوردینیتور بی‌دربی تکرار می‌شود تا در نهایت خانواده را قانع می‌کند. در ایران این کار انجام نمی‌شود و کوردینیتور حمایت نمی‌شود.

شیوه مدونی برای رضایت‌گیری در ایران وجود ندارد.

می‌پرسم: پس در ایران کوردینیتور از چه شیوه‌ای برای رضایت‌گیری استفاده می‌کند؟ می‌گوید: در ایران این قاعده تجربی است و هیچ آیین یا قانون یا کلاس‌های مشخصی برای آموزش به کوردینیتور وجود ندارد. چند نفری بودند که در سیستم رضایت‌گیری به صورت تجربی به کراماتی رسیدند و این کرامات را منتقل کرده‌اند ولی هنوز این تجربه در ایران به اصول مدونی به نام روش رضایت‌گیری از اولیای دم مرگ مغزی تبدیل نشده است.

نوار مغز مرگ‌مغزی صاف است

از دکتر محمد زارع داد کوردینیتور پیوند درخصوص مناسبات تأیید مرگ مغزی می‌پرسم. می‌گوید: بعد از گزارش مرگ مغزی کوردینیتور بر بالین بیمار در بیمارستان مبدا حاضر می‌شود و یکسری معاینه‌های بالینی را انجام می‌دهد. این معاینه‌ها شامل معاینه اعصاب ۱۲گانه مغزی است تا ببینیم اعصاب رفلکس فعالیت دارند یا خیر. سپس آپروپن تست انجام می‌شود. اگر همه اینها دل بر مرگ مغزی بودن بیمار باشد، ما با دستگاه نوار مغز پرتابل یک نوار مغزی می‌گیریم؛ اگر نوار مغز هم صاف باشد یعنی فعالیت‌ای از مغز نشان ندهد و وضعیت بالینی بیمار و ارگان‌ها برای پیوند مناسب باشد با خانواده وی صحبت می‌کنیم. برای کسب رضایت جهت انتقال بیمار به بیمارستان مسیح تأیید نهایی مرگ مغزی در بیمارستان مسیح دانشوری انجام می‌شود.

تأییدیه نهایی توسط چهار متخصص وزارت بهداشت که از بیمارستان‌های مختلف هستند و هیچ ارتباطی با واحد پیوند ندارند، کاملاً بی‌طرفانه انجام می‌شود. یک متخصص مغز و اعصاب، یک متخصص نورولوژی، یک متخصص داخلی و یک متخصص بیهوشی بیمار را معاینه می‌کنند و در کنار تست‌های تخصصی دیگر یک نوار مغزی دیگر هم اینجا گرفته می‌شود. اگر همه اینها موید مرگ مغزی باشد، از خانواده مرگ مغزی دعوت می‌شود. ضمن اینکه نماینده پزشکی قانونی هم در واحد حضور می‌یابد و بار دیگر خود تمام معاینه‌ها را انجام می‌دهد. او باید کار آن چهار متخصص را تأییدکند. در صورت تأیید نماینده پزشکی قانونی مبنی بر مرگ مغزی؛ برای اخذ رضایت جهت اهدای عضو از خانواده مرگ مغزی اقدام می‌کنیم. این کوردینیتور جوان می‌افزاید: در بیمارستان مبدا نمی‌توان قطعی گفت چه عضوهایی قابل اهداست اما در اینجا آزمایش‌هایی انجام می‌دهیم و اعضای قابل اهدا را مشخص کنیم. در این بیمار (اعظم دادخواه) کبد، کلیه‌ها و تمام نسوج شامل قرینه، مغز استخوان و پانکراس قابل اهداست.